



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140368390020029984
تاریخ تنظیم : 1403/12/14
شماره پرونده : 140368920006645217
شماره بایگانی شعبه : 0302497

شعبه 29 دادگاه تجدیدنظر استان تهران

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

پرونده کلاسه 140368920006645217 شعبه 29 دادگاه تجدیدنظر استان تهران تصمیم نهایی شماره
140368390020029984
تجدیدنظرخواه:

تأمین سرمایه تمدن با وکالت خانم سمانه رجبی فرزند غلامرضا به نشانی تهران - شهرک غرب- بلوار فرحزادی - میدان کتاب- خیابان طاهرخانی - پلاک 61- برج تماشا - واحد 74A و آقای ارژنگ منصوری جوزانی فرزند عباس به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران 3 - پاسداران-نرسیده به نوبنیاد - نبش کوهستان 1- پ 584- پ 5
تجدیدنظر خوانده:

ارزش آفرینان فدک با وکالت خانم غزال مجدزاده فرزند سپهرداد به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران - بلوار آیت الله کاشانی - خیابان سلیمی جهرمی - خ رز غربی ک هفتم پلاک 54 واحد 3 و خانم فروغ میرزائی فرزند یحیی به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - میرزای شیرازی- کوچه 3- پ 27 - واحد 6 .
تجدیدنظر خواسته: دادنامه شماره 1403-51876 صادر شده در 1403/10/30 از شعبه 136 دادگاه عمومی حقوقی تهران

در تاریخ 12/12/1403 جلسه شعبه 29 دادگاه تجدید نظر استان تهران در وقت فوق العاده جلسه بررسی پرونده بایگانی 0302497 به تصدی امضاءکنندگان ذیل تشکیل است.
هیات قضات شعبه پس از بررسی موضوع و با اعلام پایان رسیدگی به شرح زیر برای صادر می کند:

رای دادگاه

سمانه رجبی و ارژنگ منصوری جوزانی با وکالت از تأمین سرمایه تمدن از دادنامه شماره 1403-51876 صادر شده در 1403/10/30 از شعبه 136 دادگاه عمومی حقوقی تهران و علیه شرکت ارزش آفرینان فدک تجدیدنظرخواهی کرده .

ماجرای رسیدگی در روایت رای دادگاه نخستین اجمالاً از این قرار است:

«... در خصوص دادخواست خواهان تأمین سرمایه تمدن با وکالت ارژنگ منصوری جوزانی و سمانه رجبی به طرفیت خوانده ارزش آفرینان فدک با وکالت فروغ میرزائی و غزال مجدزاده به خواسته ابطال رای هیئت داورى بورس با عنایت به اینکه هیئت داورى مذکور تاسیس و نهادی خاص بوده و ارای ان قطعی و لازم الاجراست علیهذا مستند به تبصره 5 از ماده 37 قانون بازار اوراق بهادار و ماده 2 از قانون این دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام میگردد...».

هیات قضات شعبه چنین نظر می دهد:

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران- میدان هروی - خیابان وفامنش - مجتمع قضایی غدیر (دادگاههای تجدید نظر استان تهران)



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140368390020029984
تاریخ تنظیم : 1403/12/14
شماره پرونده : 140368920006645217
شماره بایگانی شعبه : 0302497

شعبه 29 دادگاه تجدیدنظر استان تهران

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

نظارت قضایی از تکالیف اساسی دادگستری و در برابر (تضمین) حق مراجعه به دادگاه و تظلم خواهی از اقدامات خارج از دادگستری می باشد. با این توضیح که مطابق مستفاد از اصول 34 و 159 قانون اساسی مردم حق دارند از آنچه باور دارند برخلاف قانون بر سرشان آمده به دادگاه شکایت کنند و دادگاه هم مکلف است که رسیدگی کند. این زمینه و اصل راهنما در ارزیابی نوعی شکایات و عرض حال های مطرح در دادگاه است.

اینکه استدلال شده در مواد 36 و 37 قانون بازار سرمایه و برخی مقررات دیگر درباره نحوه تشکیل و اداره هیأت داورى بازار اوراق بهادار، مقرر گردیده که آراء این هیأت قطعی است به هیچ وجه نافی حق مراجعه به دادگستری و شکایت نیست. قطعیت رای در این قواعد بر فرآیند رسیدگی در آن مرجع ناظر است. بر طبق قاعده نتیجه رسیدگی داورى قطعی و نهایی است، مگر اینکه قاعده قانونی و قراردادی بر قابلیت تجدیدنظر وجود داشته باشد. توضیح اینکه رای داورى که بر طبق ماده 490 قانون آیین دادرسی مدنی از آن شکایت می شود هم در زمره آرای قطعی محسوب می گردد. پس قطعیت رای هیأت داورى با قابلیت شکایت از آن مبین نیستی ندارد.

شکایت بطلان رای داورى یک قاعده جهانی است که در مقام اجرای تکلیف نظارت قضایی و بجا آوردن حق اساسی دادخواهی در همه نظام های حقوقی به رسمیت شناخته می شود و در مورد رای داورى نهایی (قطعی) اعمال می گردد. پس هیچ قانون عادی یا مقرره آئینی و دستورالعمل و امثال آن نمی تواند تکلیف دادگاه در این مورد را که متناظر با حق مردم در دادخواهی است نفی کند و ایراد عدم صلاحیت پذیرفته نمی شود.

از آنجا که التواء بردن به حق دادخواهی و تکیه بر تکلیف دادگاه بعنوان نظارت قضایی، قواعد کلی و انتزاعی هستند در مقام اجرا و اعمال باید دید ساز و کار مقررات عادی برای اقدام در این مورد چگونه است و تفصیل آن چیست. به باور این شعبه رای هیأت داورى بازار اوراق بهادار در زمره رای داورى است و اگر گفته شود داورى زاده توافق است و در این مورد حکم قانون وجود دارد نه توافق پاسخ اینست:

اول، داورى اجباری که به موجب آن قانون مقرر می دارد برخی اختلافات ابتدا "در دادگستری مطرح نشود به داورى ارجاع شود امری بی سابقه نیست. داورى اجباری اگرچه بعنوان قاعده کلی از میان رفته اما مصداق های آن هنوز هست و حتی زمینه اصلی قواعد مذکور در ماده 454 به بعد قانون آئین دادرسی مدنی داورى اجباری است. چنانکه در بسیاری از قواعد سخن از دادگاهی است که موضوع را به داورى ارجاع داده حال آنکه در وضع کنونی مصداق های توافق طرفین بر داورى در اثنای رسیدگی در دادگاه بسیار کمیاب است و معلوم است استفاده از این عبارت زمینه تاریخی دارد و ناظر به موردی است که پرونده در فرآیند رسیدگی قضایی قرار دارد و بدون اینکه طرفین توافق کنند دادگاه به صلاحدید خود ادامه رسیدگی را به داورى محول کند. و انگهی آنچه در قواعدی چون ماده 20 قانون پیش فروش ساختمان و 53 شرایط عمومی پیمان و یا مصوبات شورای عالی بیمه و حتی مقررات راجع به شرکتهای تعاونی مقرر گردیده نمونه های دیگری از امر قانونگذار در داورى است. در همه این مصداق ها مانند روابط حقوقی فعالین بازار سرمایه، منشاء اختلاف قرارداد است و از همین روست که گفته می شود پیوستن به روابط حقوقی بازار سرمایه و دیگر اقسام قانونی به منزله پذیرش حکم قانون درباره صلاحیت هیأت داورى به مثابه شرط ضمنی است.

سوم، شاید پذیرفتن استدلال گفته شده در قسمت اخیر بند پیشین در مورد توافق بر داورى هیأت موضوع بحث دشوار باشد، اما با در نظر گرفتن اینکه یکی از مبانی مهم مشروعیت داورى تجویز قانون است، وقایع در جریان و مصلحت های عملی

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران- میدان هروی - خیابان وفامنش - مجتمع قضایی غدیر (دادگاههای تجدید نظر استان تهران)



«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شماره دادنامه : 140368390020029984

تاریخ تنظیم : 1403/12/14

شماره پرونده : 140368920006645217

شماره بایگانی شعبه : 0302497

شعبه 29 دادگاه تجدیدنظر استان تهران

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

نیز چنین ایجاب می کند که رای هیأت داورى در زمره آراء داورى دانسته شود. توضیح اینکه با چنین توصیفی، تکلیف رسیدگی به اصل اختلاف از دوش دادگستری برداشته می شود، می توان با توسل به ساز و کار قانونی مقرر برای رسیدگی به شکایت بطلان رای داورى به اعتراض ها رسیدگی کرد. می توان برخورداری رای از آثاری چون فراغ دادرس، اعتبار امر قضاوت شده و لزوم اجرای قهری رای با مراجعه به دادگستری در صورت اقتضاء را به این فایده مندی ها اضافه کرد. حال آن که رای هیأت مزبور داورى توصیف نگردد کار دشوار می شود. در نظام حقوقی حاکم که سازو کار داورى با سال ها سابقه و قدمت و پذیرش شرعی و عرفی و قانونی هنوز جایگاهی تثبیت شده ندارد چگونه باید در پی تبیین و توجیه ماهیت حقوقی روش دیگری از حل اختلاف باشیم. روشن است که توصیف آراء هیأت داورى به رای داورى (برخوردار از حمایت قانون) که مشمول قواعد حاکم بر داورى و موضوع نظارت قضایی خواهد بود بهترین رویکردهاست.

بر اساس آنچه دربند پیشین گفته شد شکایت از رای هیأت داورى بازار سرمایه بر طبق قواعد مذکور در قانون آئین دادرسی مدنی مورد رسیدگی قرار می گیرد. از جمله اینکه مدت اعتراض به آن 20 روز از تاریخ ابلاغ است و نمی توان رای داورى را قابل شکایت دانست اما بدون مدت و مهلت.

از آنجا که تجدیدنظر خواه در مهلت تجدیدنظر خواهی کرده و چنانکه استدلال شد استماع شکایت نیز حق اوست، پس اعتراض وارد است و دادگاه به استناد مواد 2 و 3 و 353 قانون آئین دادرسی مدنی تجدیدنظر خواهی را می پذیرد و با نقض رای تجدیدنظر خواسته مقرر می کند دادگاه محترم نخستین رسیدگی را از سر بگیرد. رای دادگاه حضوری و قطعیست.

مستشار شعبه 29 دادگاه

همایون رضائی نژاد

رئیس شعبه 29 دادگاه تجدیدنظر استان تهران

بهزاد ابراهیمی

امضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران- میدان هروی - خیابان وفامنش - مجتمع قضایی غدیر (دادگاههای تجدید نظر استان تهران)